



## حذف چهار صفر از پول ملی به تصویب رسید.



## نگاه روزنامه نگار

## طعم تلخ واقعیت

پاسخی به دو ادعای تندروها

در حوزه دیپلماسی



محسن صالحی خواه

گزارشگر هم‌میهن

صحن مجلس دیروز محل دعوا بر سر حضور مجدد بازرس‌های آژانس در ایران بود. یک نفر شاکای بود که چرا قرار است اطلاعات مواد و سایت‌های هسته‌ای به آژانس داده شود و دیگری می‌گفت حضور بازرس‌های آژانس در ایران خلاف مصوبه مجلس است و اگر شرایط به همین منوال ادامه پیدا کند، علیه رئیس شورای عالی امنیت ملی -مسعود پزشکیان- اعلام جرم خواهد شد. در نهایت عباس عراقچی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مجلس به امیرحسین تابینی پاسخ داد که متنی بین ایران و آژانس نهایی نشده و بازرس‌ها نیز به خاطر تعویض سوخت نیروگاه بوشهر به ایران آمدند. در خصوص غضنفری نماینده تهران هم باید گفت تشخیص اینکه چه باید کرد و چه نباید کرد، در همان مصوبه مورد اشاره به عهده شورای عالی امنیت ملی گذاشته شده و مسئولیت تصمیم‌ها نیز با آن‌هاست نه مجلس.

وقتی این اظهارنظرها را می‌بینیم، دقیقاً نمی‌دانیم چه واکنشی باید نشان دهیم. چون مشخص نیست این صحبت‌ها و فریاد زدن غریبه بودن با بدیهی‌ترین اصول سیاست خارجی و چارچوب نظام بین‌الملل از سر ناآگاهی است یا اغراض سیاسی پشت آن پنهان شده. در این شرایط باید دو واقعیت تلخ را مرور کنیم.

الزام ایران به همکاری با آژانس و ارائه اطلاعات به این نهاد است. ایران عضو ان‌پی‌تی است و نمی‌تواند با آژانس همکاری نکند. در نهایت باید این چارچوب به دست بیاید و طبیعتاً اطلاعات به آژانس ارائه می‌شود. آژانس و مدیرکل آن بازیگران نقش منفی در جریان جنگ ۱۲ روزه بودند؟ قطعاً. اما ایران می‌تواند با آن‌ها همکاری نکند؟ خیر. مگر اینکه تصمیم حاکمیت این باشد که از معاهده عدم اشاعه خارج شود که آن خود بحرانی دیگر است. امروز که ایران عضو آژانس، ان‌پی‌تی است و تاسیسات و برنامه آن قبل از جنگ زیر نظر بازرسان بود، کار به اینجا رسید. وای به حال روزی که عملاً بخواهیم تعهدی به آژانس نداشته باشیم. حسابرسی از مواد هسته‌ای، وظیفه ذاتی آژانس است. نکته جالب این که بخشی از نقاط کور پرونده ایران در آژانس، به یافت شدن «ذرات اورانیوم» در مکان‌های اعلام‌نشده مربوط می‌شود. موضوعی که ایران می‌گوید حاصل خرابکاری اسرائیل است اما در هر صورت حل نشد. حال تصور کنید با این میزان حساسیت، ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد و حدود ۱۰ تن اورانیوم با غنای پایین‌تر (طبق گزارش آژانس) چه وضعیتی ایجاد می‌کند. موضوع هسته‌ای و ارتباط با آژانس باید طی سال‌ها مدیریت می‌شود. پرونده ایران سیاسی است و آژانس نیز در نهایت یک نهاد سیاسی است. موضع هم فقط هسته‌ای نیست اما این نقطه فشار خیلی راحت در اختیار آن‌ها گذاشته شد. در دو دهه گذشته، عده‌ای ترجیح دادند همان بازی انفرادی خود را با فلسفه‌بافی‌ها پیش ببرند. آن دست‌فرمان، مقصدی جز این نقطه نداشت. چارچوب‌هایی وجود دارد که باید در دل آن‌ها پیش برویم. به این دقت کنید که روس‌ها هم بدون حضور بازرسان آژانس، عملیات تعویض سوخت را انجام نمی‌دهند.

امکان دارد که دیپلماسی جویاگوی این شرایط نباشد و ایران بار دیگر تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار بگیرد. ایران نباید در این شرایط قرار می‌گرفت. گذر زمان نشان داد که قطعنامه‌ها کاغذپاره نبودند. برجام بهترین و بیشترین چیزی بود که ایران می‌توانست به دست بیاورد اما خیلی زود میان سه ضلع تندرؤهای داخلی، اسرائیل و آمریکا له شد. مشخص نیست که جریان ضددیپلماسی تصور می‌کند که ایران چقدر می‌توانست شرایط تحریمی بین‌الملل را ادامه دهد. اما این مشخص است که این مثلث تمام تلاش خود را به کار بست تا راه تنفس ایجاد شده با توافق هسته‌ای را مسدود کند.

ضلع داخلی این سه‌گانه هم امروز در جایگاه مدعی و نه متهم ایستاده. در صورتی که برعکس، آن‌ها باید بدانند یادگاری از خود به جا گذاشتند که میرزترین متخصصین هم نهایتاً توانستند ۱۰ سال ما را از شر آن نجات دهند. ایران با مرگ توافق هسته‌ای برنامه هسته‌ای خود را از سر گرفت و چند پله آن را ارتقاء داد و به قول معروف از اسنپ‌ک استفاده کرد. طرف مقابل هم می‌خواهد ما را به وضعیت قبل از توافق هسته‌ای برگرداند. از دیروز این خبر آمده که احتمالاً اسنپ‌ک از طرف کشورهای اروپایی فعال شود. اسنپ‌ک انتخاب بین بد و بدتر بود. انتخاب بین ادامه انزوای بین‌المللی و قرار داشتن ذیل فصل هفت منشور به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل، یا ایجاد روندی که می‌توانست به خروج از این وضعیت منتهی شود. در هر صورت، آن‌هایی که این روزها مدعی تسلط بر سیاست خارجی با نگاه به مکتب واقع‌گرایی هستند، باید در خلوت خود این جمله را تکرار کنند که اگر قطعنامه‌ای نبود، اسنپ‌یکی هم نبود. این‌ها طعم تلخ واقعیت‌هایی است که برخی آن را کتمان می‌کنند. چراکه معتقدند نظم جهانی در حال فروپاشی است و اهمیتی ندارد در این نظم چه رخ می‌دهد.

مورد اشاره نماینده محترم از کجا آمده اما باید گفت که این متن، متن مورد مذاکره و توافق نیست.»

## ایران قصد پنهان کاری ندارد

ساسان کریمی، استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در باره حضور بازرسان آژانس در تهران به «هم‌میهن» گفت: «ایران عضو آژانس، پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای است و دارای یک توافقنامه پادمانی است. سه نهادی که از لحاظ حقوق بین‌الملل معتبر هستند و ایران به آن‌ها تعهد دارد. این که گفته می‌شود ورود بازرس‌ها غیرقانونی بوده، صحیح نیست. چون ورود با تصویب شورای عالی امنیت ملی انجام شده و لازم‌الاجراست. اقدامی که من فکر می‌کنم در قالب معادلات ضدامنیتی‌سازی ایران صورت می‌گیرد. البته این حق حاکمیتی ایران است که کدام بازرس‌ها وارد شوند و به کدامیک اجازه ورود ندهند. نکته این است که عدم ورود بازرسان به ایران، اهرم مناسبی برای آن‌هایی است که قصد دارند ایران را به عنوان تهدید معرفی کنند و بگویند حتماً در ایران اتفاقاتی رخ می‌دهد که برای دیده نشدن آن‌ها، اجازه ورود بازرسان داده نمی‌شود.»

او ادامه داد: «ایران کار غیرقانونی نمی‌کند که نخواهد اجازه بازرسی بدهد. از زمان جنگ نیز موضوع این بود که تاسیسات هسته‌ای ما در بمباران‌ها آسیب دیده و مبنایی برای بازرسی از این تاسیسات در شرایط موجود، وجود ندارد. بنابراین، مبنای بازرسی و پروتکل خاص این شرایط باید بین ایران و آژانس تهیه شود. موضوعی که برای دیگر کشورها نیز از لحاظ حقوقی می‌تواند مینا قرار بگیرد. بنابراین، ایران به صورت کلی مشکلی با بازرسی‌ها ندارد. ضمن اینکه در حال حاضر به واسطه بمباران و آسیب خوردن تاسیسات هسته‌ای، در بسیاری از موارد ما اصلاً فعالیتی نداریم که بخواهد تحت بازرسی قرار بگیرد. خوب است که بازرسان حضور پیدا کنند و این بهانه‌ها از دست بدخواهان یعنی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی گرفته شود. ایران از عدم حضور بازرس‌ها چیزی به دست نمی‌آورد اما بهانه خوبی در اختیار اسرائیل گذاشته می‌شود.»

کریمی درباره مسائل مطرح‌شده راجع به مواد هسته‌ای ایران و حسابرسی از سوی آژانس نیز گفت: «ایران در خصوص مواد هسته‌ای نیز قصدی برای پنهانکاری نداشته و هیچ وقت نگفته است که پاسخی در این مورد نمی‌دهم. بعضی از این مواد مشخص هستند که در چه نقاطی قرار دارند و حسابرسی از آن‌ها راحت است. بخشی از آن‌ها در تاسیسات بمباران شده هستند و نگرانی‌هایی درباره نشت هسته‌ای وجود دارد. نگران نشت مواد در پاییز با بارندگی‌ها در این فصل هستیم. آیا قبل از جنگ، ایران مواد پنهانی داشته است؟ خیر. آژانس از محل مواد خبر داشته و بعد از جنگ هم ممکن است محل برخی از آن‌ها برای خود ایران هم با توجه به بمباران تاسیسات، غیرشفاف باشد. اما ایران نمی‌خواهد از این شرایط برای کدر کردن فضا استفاده کند. اما وقتی چنین وقایعی رخ می‌دهد، تصویر خود به خود کدر می‌شود. این مواد نیز با کمک یا بدون کمک آژانس از زیر آوار خارج می‌شود یا دوباره اکتشاف خواهد شد. این که گفته شود با ارائه اطلاعات به آژانس از مختصات برای حمله استفاده می‌شود، تحلیلی کودکانه است. طرف مقابل برای حمله از اطلاعات آژانس استفاده نمی‌کند و راه‌های دیگری دارند. بنابراین، در خصوص بازرسی‌ها در این شرایط مبنای روشنی وجود نداشته که باید با همکاری وزارت امور خارجه، سازمان انرژی اتمی و دبیر خانه شعام، به این مبنای دقیق‌تر برسیم.»

## اعتبار تصمیمات شعام تصویب رهبری است

وحید احمدی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در گفت‌وگو با هم‌میهن در تشریح حضور عراقچی در مجلس و موضوعات مطرح شده در جلسه کمیسیون با وزیر امور خارجه با اشاره به مصوبه مجلس، تأکید کرد: «مجلس قانون تعلیق همکاری با آژانس را تصویب کرد، مگر اینکه امنیت و یکپارچگی کشور و مراکز هسته‌ای و دانشمندان هسته‌ای تأمین شده باشد. تشخیص تأمین این امنیت با دو شرط است؛ اول این که سازمان انرژی هسته‌ای گزارش آن را ارائه و دوم این که شورای عالی امنیت ملی آن را تصویب کند. یعنی نه شورای عالی امنیت ملی اطلاع داشته باشد بلکه آن را تصویب کند. تصمیمات شورای عالی امنیت ملی زمانی اعتبار دارد که به تصویب رهبری برسد.»

او افزود: «دوستان در وزارت امور خارجه مدعی هستند که اقدامات انجام‌شده در چارچوب قانون مصوب مجلس است. یعنی حتماً این موضوع در کمیته شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته و مراحل قانونی آن طی و رعایت شده است. این ادعای وزارت امور خارجه است و اینکه فعلاً با شرایطی که پیش آورده‌اند، موجبی برای این اتفاقات نیست. اما موضوع تعویض سوخت نیروگاه بوشهر مطرح است و طبق قانون باید این تعویض تحت نظر آژانس بین‌المللی هسته‌ای انجام شود. اقدامات برای راکتور تهران هم باید زیر نظر آژانس باشد و اگر بازرسان اینجا حضور دارند برای این موضوع است. علاوه بر آن بازرسان اینجا هستند تا یک نوع همکاری با رعایت قوانین مجلس تعریف شود.»

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفت: «اما برخی از همکاران ما در مجلس بر این باورند که اگر ترتیب‌های قانونی رعایت شده باشد اسناد آن را به مجلس ارائه کنند. مقرر شد این بررسی صورت گیرد و اگر اسنادی وجود دارد کمیسیون از رعایت نکات قانونی مطلع شود.»

احمدی در پاسخ به این سوال که اگر اسناد به مجلس ارائه نشود یا وجود نداشته باشد، مجلس چه بر خورده خواهد کرد؟ تأکید کرد: «در قانون برای کسانی که مستنکف اجرای قانون کنند، مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. مجری این قانون وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی است که باید گزارش بدهند که در شعام قرار گیرد و اگر تصویب شد، نیازی برای رسیدگی مجلس نیست. اما اگر ترتیبات ذکر شده مورد توجه قرار نگرفته باشد، قطعاً با مستنکف بر خورد قانونی صورت می‌گیرد. آنچه که مجلس و کمیسیون امنیت ملی روی آن تأکید دارد، اجرای قانون است.»

## عکس نوشت

## پتو پتو است و فیلتر فیلتر

درباره عکسی از سخنگوی هیئت دولت

## امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

بیست‌وسوم مهرماه ۱۴۰۳ خانم فاطمه مهاجرانی در بخشی از نشست خبری سخنگوی دولت درباره رفع فیلترینگ خطاب به خبرنگاران فرمودند: «این موضوع در دستور کار دولت قرار دارد و در حال پیگیری است. باید توجه داشت نمی‌توانیم تغییرات یکباره در موضوعات ایجاد کنیم، فرآیندی دارد که در حال طی شدن است.

دوستان در حال پیگیری فرآیند هستند؛ صبری کنید.» کمی بعدتر در هشتم آبان همان سال خانم سخنگو در واکنش به درخواست یکی از احزاب اصلاح‌طلب که در مقابل تجمع خودجوش اصولگرایان با ارسال نامه‌ای رسمی به وزارت کشور خواهان برگزاری تجمعی در حمایت از رفع فیلترینگ شده بود، گفت: «دولت پیگیر مطالبات مردم است و صدای آنها را در خصوص رفع فیلترینگ شنیده و نیازی به راهپیمایی و لشکرکشی‌های خیابانی نیست.» از آن روز تا به امروز هزار اتفاق افتاده و این چرخ گردون همچون سبب از درخت افتاده هزار چرخ خورده است. توجه داشته باشید که همین دیروز دوباره سرکار خانم سخنگو در قامت یک فاتح با چهره‌ای خندان از پله‌های دولت پایین آمده و در جواب خبرنگاران در رابطه با موضوع رفع فیلتر فرمودند: «موضوع فیلترینگ جزو موضوعاتی است که در دستور کار دولت است. این را مجدداً عرض کنم که رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی فضای مجازی هستند و قاعدتاً موضوع رفع فیلترینگ را می‌توانند به صورت دستوری حل کنند، ولی از آن جایی که نگاه دولت نگاه وفاق و نگاه پذیرش بر موضوعات است، به همین دلیل این فرآیند طول کشیده است.»

چیزی که برایم عجیب است ششور و شغفی است که هر هفته خانم سخنگو پشت تریبون حیاط دولت از خود به نمایش می‌گذارد. انشالله که عمرشان راز باشد اما خدا رحمت کند رفتگانتان را. در فامیل مازن و جیمه محترمی بود که متأسفانه در جبهه‌ایام کرونا دعوت حق را لیبیک گفت و به دیار باقی شتافت. «عزت خانم» از آن‌های دست و پاداری بود که تقریباً که نه، تحقیقاً حکم سخنگویی خانواده را عهده‌دار بود. مر حومه یک‌تنه زحمت پاتختی‌ها، ختنه‌سوران‌ها، بلهرپرونها، تولدها و عزاه‌ها و... فامیل را به دوش می‌کشید. یکی از ویژگی‌های عزت خانم این بود که در پاتختی آبروی فامیل را می‌خرد. یعنی اگر بنده به عنوان عموی بی‌چیز عروس بودم و یک پتوی گلبافت هدیه می‌بردم، عزت خانم زحمت کشیده و کار را درمی‌آورد و پتوی گلبافت را طوری پرنزت می‌کرد که هیچ‌کم از سکه بهار آزادی خاله داماد نداشت. حکایت عزت خانم و فاطمه خانم تقریباً یکی است. موضوع این است که پتو پتو و فیلتر فیلتر است. حالا چه با خنده، چه با شور، چه با زندگی، چه با وفاق و چه بی‌وفاق فرقی نمی‌کند. سرکار خانم سخنگو هر طوری هم که اعلام کنند ته‌ماجر با عروس و داماد یک پتو می‌رسد و به مردم فیلتر بودن سکوها.



عکس: محسن زنگین/کمان-آرپینا